



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 20 بهمن 1389

مصادف: 5 ربیع الاول 1432

جلسه: 60

موضوع کلی: چگونگی تشریح احکام

موضوع جزئی: مقدمات

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

چگونگی تشریح احکام:

بحث دیگری که در رابطه با حکم شرعی لازم است طرح شود و بحث نسبتا مهمی است بحث از چگونگی تشریح احکام در شریعت است. در مورد این بحث مقدماتا باید مطالبی ذکر شود.

مقدمه اول: اهمیت بحث

در بین اصولیین این مطلب که جعل احکام و وضع قوانین شرعی به نحو قضایای حقیقه می باشد شهرت پیدا کرده و در مواضع متعددی در علم اصول به آن پرداخته شده و آثار مختلفی هم در مباحث مختلف دارد. از جمله در بحث واجب مشروط و معلق، بحث شرط متاخر، بحث از تمسک به عام در شبهه مصداقیه خاص، موضوع ترتب، واجب تعبدی، حجیت خبر واحد، استصحاب کلی، استصحاب شرایع سابقه و بعضا در مسئله تقلید این موضوع مطرح است و دارای اثر می باشد.

مقدمه دوم: پیشینه

اساس این بحث بر طبق آنچه که شهید مطهری در شرح مبسوط منظومه فرموده اند از زمان شیخ انصاری وارد علم اصول شده، ایشان می فرماید شش ماه شیخ انصاری و حاجی سبزواری در مشهد با هم تلاقی داشتند که در آن مدت حاجی نزد شیخ فقه و اصول تلمذ می کرده و شیخ انصاری هم نزد حاجی سبزواری فلسفه و منطق می خوانده- این مسلک کسانی است که در وادی علم قدم بر می دارند که چیزی را که نمی دانند از اهلش یاد می گیرند، یکی از کسانی که با مرحوم علامه طباطبایی جلساتی داشته نقل می کند که بخش زیادی از این جلسات معطوف به کتابهای عرفان هندی بود و علامه به طور دقیق این مسئله را از کسانی که بلد بودند فرا می گرفتند. در راه علم آموختن یاد گرفتن از کسانی که می دانند باید حسن شمرده شود و نباید عیب شمرده شود- در این ایام این رابطه بین شیخ انصاری و حاجی سبزواری شکل می گیرد. مرحوم آقای مطهری می گویند من خیال می کنم که در همین ایام مرحوم شیخ انصاری این بحث قضایای حقیقه را از حاجی سبزواری یاد گرفته و وارد علم اصول کرده چون تعبیری که شیخ دارد تقریبا همان تعبیری است که حاجی سبزواری دارد. بعد از مرحوم شیخ آقای آخوند که شاگرد شیخ بودند این موضوع را مطرح کردند و اتباع و شاگردان مرحوم آخوند به خصوص محقق نائینی به این بحث پرداختند. لذا بحث از قضایای حقیقه در علم اصول شاید سابقه طولانی و زیادی ندارد.

مقدمه سوم: ثمره

این مسئله ضمن اینکه خودش در علم اصول آثار مختلفی دارد ولی مستقلا و راسا یک اثر مهمی برای آن متصور است و آن فائده و اثر مهم این است که ما در مواقعی که در مورد یک قضیه شک داریم که آیا به نحو قضیه حقیقه جعل شده یا

به نحو قضیه خارجی اصل کدام است؟ اگر ما گفتیم اصل در جعل احکام شرعی این است که به نحو قضیه حقیقه باشد در موقع شک و عدم وجود قرینه آن قضیه را حمل بر حقیقه می‌کنیم و این مسئله مهمی است. اگر یک قضیه‌ای به نحو قضیه حقیقه باشد یعنی این که آن حکم کلی است و قانونی است که برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها ثابت است اما اگر یک قضیه‌ای خارجی شد دیگر ما نمی‌توانیم به عنوان یک حکم کلی برای همه افراد ولو افراد مقدر آن را ثابت کنیم. بسیاری از روایات در مقام نقل یک واقعه یا اتفاقی وارد شده‌اند و این نصوص و روایات که مصدر استنباط و استفاده احکام هستند باید مشخص شود که مبین یک قضیه حقیقه هستند یا مبین قضیه خارجی؟

اگر گفتیم احکام به نحو قضیه حقیقه جعل شده‌اند آن وقت قابلیت استفاده به عنوان منبع حکم شرعی دارند اما اگر گفتیم قضیه خارجی است دیگر معلوم نیست آن صلاحیت و شایستگی را برای استنباط حکم شرعی داشته باشد.

به عبارت دیگر اصل در تشریح و قانونگذاری چیست؟ آیا اصل این است که یک حکم کلی (حقیقی) است یا یک قضیه‌ای است خارجی یعنی مربوط به آن زمان است و یا یک قضیه شخصی که مربوط به آن موضوع و شخص خاص بوده و حتی مربوط به همه افراد در آن زمان هم نبوده؟

علی‌ای حال این بحث مهمی است و گاهی در این رابطه افراط و تفریط‌های صورت گرفته به این معنا که بعضی‌ها تمام قضایای شریعت را به عنوان قضایای خارجی می‌شناسند و نوع روایات و نصوص را حمل بر عرف و عادت زمان صدور می‌کنند و نتیجه‌اش این می‌شود که بسیاری از روایات و نصوص ما صلاحیت مرجعیت برای استفاده از حکم شرعی را از دست می‌دهند که نتیجه‌اش این خواهد بود که تنها چند چیز بدیهی از شریعت باقی بماند. البته مرحوم مطهری هم می‌فرمایند احکام شرعی به نحو قضایای خارجی جعل شده است بر خلاف آنچه که اصولیین می‌گویند که به نحو قضایای حقیقه جعل شده ولی منظور ایشان از قضایای خارجی چیزی دیگری است که اشاره خواهیم کرد.

از طرف دیگر کسانی هستند که قائلند همه قضایایی که در شرع وارد شده حقیقی هستند حتی افعال شخصی و احوال شخصیه ائمه به عنوان بشر عادی را هم قضیه حقیقی محسوب می‌کنند که این یک نوع جمود خطرناک است.

پس ثمره بحث این است که در مواردی که قرینه وجود دارد، ما تمیز می‌دهیم و مشکلی نیست اما در جاهایی که قرینه نیست و شک داریم در اینکه این قضیه حقیقه است یا خارجی اصل کدام یک از این دو مسئله و قضیه است. این را باید به عنوان یک فائده و اثر مهم برای این بحث نگاه بکنیم.

مقدمه چهارم: نمونه

ما برای اینکه این مسئله بیشتر ملموس شود نمونه‌ای را عرض می‌کنیم تا بیشتر به اهمیت این موضوع واقف شویم. در باب احتکار روایات متعددی وارد شده و مواردی که در رابطه با آنها احتکار از نظر شرع صادق است و حکم حرمت در باره آن ذکر شده بیان شده؛ البته در تعدادش اختلاف هست اما اجمالاً این است که در این روایات مصادیقی ذکر شده از گندم، جو، خرما و نمونه‌های دیگر در اینجا این بحث هست که آیا موارد احتکار منحصر به این مذکور است یا اعم از این‌ها است و شامل هر آنچه که مردم به آن احتیاج دارند می‌شود یعنی مراد ما یحتاج الیه الناس و ما یحتاج عمومی است؟ این ما یحتاج عمومی در عصرها و دوره‌های مختلف متفاوت است اینجا هم فتوا مختلف است و اکثراً به این حصری که در این روایات ذکر شده توجه کرده‌اند و موارد احتکار را در همین موارد محصور ذکر کرده‌اند ولو اینکه بعضی از آنها

حتی در بسیاری از جوامع به عنوان ما یحتاج عمومی شناخته نشود اما جمعی هم قائل شده‌اند که ذکر آن موارد به عنوان نمونه و مثال است و غرض جلوگیری از احتکار نسبت به ما یحتاج عمومی است.

برای تعدی از این موارد منصوص به غیر محصور و شمول نسبت به همه ما یحتاج مردم راههای مختلفی طی شده یکی از راههایی که بعضی از بزرگان برای این مسئله ذکر کرده‌اند این است که گفته‌اند این روایات که در آنها از ادات حصر و انما استفاده شده این در واقع به نحو قضیه خارجی است یعنی این روایات از سنخ قضایای خارجی است نه حقیقه معنای این سخن این است که این روایات در واقع در مورد وضعیت خارجی موجود در آن زمان سخن گفته‌اند یعنی روایت انما الحکره در این موارد است در واقع امام و پیامبر خواسته‌اند حصر را نسبت به وضعیت خارجی آن روز به کار ببرند. اگر گفتیم این قضیه خارجی است معنایش این است که امروز یا در زمان‌های دیگر احتکار دیگر منحصر در موارد مذکور نخواهد بود آن موارد با توجه به آن شرایط به عنوان مواردی بوده که مورد نیاز مردم بوده اما امروز مسئله فرق می‌کند اما اگر این قضیه حقیقه باشد و ما روایتی که با ادات حصر موارد احتکار را در این چند مورد خلاصه می‌کند به عنوان قضیه حقیقه نگاه نکنیم یعنی یک حکم کلی و بنا بر این محصور در این‌ها است و این هم مورد تصریح قرار گرفته و لذا به هیچ وجه نمی‌توانیم در هیچ زمانی این را تعدی بدسیم به سایر امور.

فعلا این موارد را می‌توانیم به عنوان آثار صرف نظر از مصادیقش در نظر بگیریم که بالاخره اگر ما یک قضیه را خارجی بدانیم یا حقیقه بدانیم چه تاثیری در محدوده حکم شرعی دارد لذا این بحث به طور کلی یک بحث مهمی است و از جمله بحث‌هایی است که کمتر در اصول به عنوان بحث مستقل مطرح شده با آنکه در جاهای زیادی از آن استفاده شده است. اما ابتدائاً یک بحث مختصری در رابطه با قضایای حقیقه و خارجی داشته باشیم و تعریف منطقیین از این اصطلاحات را بیان کنیم و بعد هم به طور مختصر ببینیم علماء علم اصول چه تعریفی از قضایای حقیقه و خارجی دارند.

لزوم بازشناسی فرصت‌ها و تهدیدهای انقلاب در دهه فجر

با توجه به اینکه در دهه فجر هستیم و نزدیک به سالگرد انقلاب اسلامی است مناسب است مطالبی را در این رابطه عرض کنیم. بر خود وظیفه می‌دانیم که این ایام خجسته را گرامی داشته و نباید نسبت به این موضوع بی تفاوت باشیم و ساده از کنار آن بگذریم.

اصل وقوع انقلاب اسلامی ایران یک اتفاق بسیار مهم و نادر در تاریخ روحانیت، تاریخ تشیع، تاریخ ایران، تاریخ منطقه و بلکه در تاریخ بشریت و جهان است. بعد از دوران ائمه (ع) - که آن هم فقط در یک دوران کوتاهی حاکمیت اسلامی معنا پیدا کرد - انقلاب اسلامی باعث شد حاکمیت دین تحقق پیدا کند. درست است در این فاصله حکومت‌هایی به نام اسلام و حتی به نام تشیع بر سرکار آمده‌اند - مثلاً فاطمی‌ها در مصر، آل بویه و صفویه، که خدمات و در عین حال خیانت‌هایی داشته‌اند یعنی در این دورانی که برای تشیع فضای مناسبی پیدا شد کارهای بزرگی انجام گرفت اما در عین حال مظلومی هم از سوی حاکمان سر زده است - اما هیچ کدام از آنها قابل مقایسه با انقلاب اسلامی نیست. انقلاب اسلامی با همه آنچه که در گذشته اتفاق افتاده متفاوت و ممتاز است و آن هم به خاطر این است که روحانیت پرچم دار این حرکت بود و یک دست پروده حوزه علمیه یعنی یک انسان عارف، عالم، جامع و کامل مثل امام (ره) پرچم این نهضت را به دوش گرفت و علماء همراهی کردند و مردم پشتیبانی کردند و این انقلاب به ثمر رسید.

امام(ره) یک شخصیتی بود که از نظر علمی در یک نقطه و مرتبه‌ای بود که هیچ کس نسبت به شخصیت علمی او تردید نداشت، در ابعاد مختلف فقه، اصول، فلسفه، تفسیر عرفان صاحب نظر بود و در عین حال یک شخصیتی بود که از نظر اخلاقی خود ساخته، اهل تزکیه، تهذیب نفس و همه این امور مورد اعتراف همه کسانی که در حوزه علمیه مشغول بودند و ناظر بودند واقع شده است.

پس این واقعه به رهبری روحانیت و شخصیتی که دست پروده حوزه بوده به ثمر رسید و سرمایه‌های زیادی برای این انقلاب هزینه شد، خون‌های زیادی ریخته شده چه قبل از انقلاب و چه بعد از پیروزی انقلاب. پس انقلاب اسلامی هم از جهت خود واقعه یک واقعه ممتازی است و هم از نظر هزینه‌هایی که برای آن شد. هزینه‌های بسیار مهمی اعم از مادی و معنوی برای پیروزی این انقلاب داده شده است.

انقلاب آثار و برکات بسیار مهمی را به همراه خود داشته، مردم در سایه یک حکومت دینی توجه شان به دیانت و اصول اخلاقی بیشتر شده؛ در اوائل انقلاب آنچه‌ان فضای جامعه فضای اخلاقی بود که خود این امر باعث جذب مردم می‌شد، خود محوری نبود، مردم از حق خودشان برای دیگران می‌گذشتند، با اینکه امکانات کم بود اما کم نبودند کسانی که در سرما نفت خود را به دیگران می‌دادند و این طور نبود که یک اتفاق نادر باشد، این یک فضای عمومی بود، مهم تر از همه اینکه وابستگی یک ملت به بیگانگان قطع شد، دست اجانب از این کشور قطع شد، استقلال سیاسی و اقتصادی پیدا شد. این نکته مهمی است که یک ملت آقای خودش باشد و دیگران برای آنها تصمیم نگیرند. که همه این برکات محصول همراهی مردم و روحانیت بود.

الان هم سه دهه از این انقلاب گذشته و علل محدثه انقلاب علل مبقیه هم هست یعنی رهبری روحانیت، محوریت روحانیت و مرجعیت که در قانون اساسی در ولایت فقیه تبلور پیدا کرده که یک مسئله مهمی است، اینها باید حفظ شود اما در کنار این باید به مسائل دیگر هم توجه شود، مثلاً توجه به عدالت، توجه به اخلاق و توجه به دیانت و...

متأسفانه معمولاً ما یا راه افراط در پیش می‌گیریم یا راه تفریط و در هر دوره‌ای هم این افراط و تفریط بوده، به قول یکی از بزرگان درست است که خداوند تبارک و تعالی قول داده که از دین و مسلمان‌ها حمایت کند ولی این مشروط به خود ما هم هست و تضمین نداده که در هر شرایطی این کار را بکند، ما اولاً وظیفه داریم این انقلاب عظیم را حفظ کنیم، باید واقع بینانه خدمات بزرگی که انقلاب به این مملکت در طول این سی سال کرده از لحاظ رفاه، آبادانی و امنیت را بشناسیم و بشناسانیم. البته ما نمی‌گوییم مشکلات نیست، بله، مشکلات هست و خواهد بود و هیچ جای دنیا بدون مشکل نیست اما قدر این نعمت‌ها را باید بدانیم و خدماتی که شده را باید بشناسیم اما در عین حال به آسیب‌ها و مشکلات هم توجه داشته باشیم، یعنی فکر نکنیم که هیچ مشکلی و آسیبی متوجه ما نیست.

پس همانطور که شناخت خدمات مهم است شناخت آسیب‌ها هم مهم است و برای حل مشکلات باید تلاش کرد. در این جهت هم نباید افراط و تفریط کرد یعنی در بیان خدمات هم نباید افراط کرد و در بیان آسیب‌ها هم نباید افراط کرد و در بیان خدمات هم نباید تفریط و بی‌انصافی کرد و در بیان آسیب‌ها هم همین طور.

از انقلاب دائماً باید مراقبت شود مثل مولودی که به دنیا می‌آید و مراقبت دائم می‌خواهد تا سالم باشد و از بیماری‌ها در امان بماند و رشد کند. تا انقلاب جهانی حضرت مهدی(عج) این مراقبت را می‌خواهد؛ این مراقبت لازم است و در ابعاد

مختلف هم باید باشد. باید تلاش کنیم از نظر علمی و عملی روحانیونی باشیم که مورد توقع امام زمان، اسلام، دین و مردم است و نسبت به مردم متواضع و خادم باشیم و پناه مردم باشیم همچنین نسبت به نظام و انقلاب و ولایت فقیه حمایت داشته باشیم اما در عین حال چشمان تیزبین ما باید مراقب انحرافات و خطاها و اشکالات باشد البته این را در چهارچوب منظم و چهار چوبی که به اصلاح امور کمک کند قرار بدهیم تا ان شاء الله بتوانیم این پدیده بزرگ تاریخ که برای این مملکت افتخار بوده و خدمات زیادی داشته را حفظ کنیم و بتوانیم به سر منزل مقصود برسانیم.

این ایام فرصتی است برای بازشناسی فرصتها و تهدیدهای انقلاب، برای ارزیابی کارهایی که انقلاب کرده و هم برای بررسی آسیب هایی که انقلاب را تهدید می کند و هم ارزیابی خودمان که چه کاری کرده ایم و چه کارهایی باید بکنیم و نسبت به انقلاب چه وظایفی داریم. ان شاء الله ملت مسلمان و متدین ایران مثل سالهای گذشته در راهپیمایی باشکوه ۲۲ بهمن شرکت می کنند و همبستگی خودشان را با انقلاب و راه و خط امام(ره) و نظام و رهبری اعلام خواهند کرد.